

"نخستین ترجمه فارسی (تمام نهج البلاغه) با معرفی (خطبه های شگفت امیر مومنان)"

دکتر سید علیرضا حجازی^۱

چکیده:

- سخنان امیر بیان؛ امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه افضل صلوات المصلین، فرش گفتار آفریدگار سبحان است و عرش سخنان آفریدگان جهان! و آرزوی همه اندیشوران و محققان بر این بوده که ای کاش تمامی این سخنان یکجا گرد می آمد و اجزای پراکنده خطبه ها و نامه ها... بی هیچ تقطیع و گزینشی در اختیار آنان قرار می گرفت.
- بیشتر نهج البلاغه پژوهان، هنگام معرفی و تحقیق و یا تدریس و شرح و ترجمه، "نهج البلاغه" سید رضی (رحمه الله) را؛ ملاک و معیار و مصدر سخنان امیر بیان می شناخته و می شناسند.
- با انتشار نخستین چاپ "تمام نهج البلاغه" (نسخه مشروحه) اثر سید صادق موسوی در سال ۱۴۱۱ هجری قمری، دریچه ای جدید به سخنان امیر مومنان گشوده شد و پس از آن (نسخه موثقه) با ۱۰۱ مصدر و منبع و باضافات بیشتر، در رجب سال ۱۴۱۸ قمری در ایران انتشار یافت، که در همان سال امام علی(ع)، کتاب سال شناخته شده، و در سومین مرحله و در رمضان المبارک سال ۱۴۲۶؛ نسخه مسنده هشت مجلدی، با حدود ۸۰۰ منبع و مستند به چاپ رسیده است.
- و سرانجام در مرحله چهارم و در آخرین ویرایش، "تمام نهج البلاغه" تک نسخه ای نفیس در بیروت و در شعبان سال ۱۴۳۴ به چاپ رسیده است. اگر چه هنوز هم بسیاری از اندیشمندان حوزه های علمیه و دانشگاه ها و مراکز پژوهشی جهان اسلام و حتی برخی مجامع شیعه شناسی و بنیادهای نهج البلاغه پژوهی؛ از انتشار چنین مصدر و منبعی بی خبر و یا بی نصیب مانده اند.
- برخی ویژگی های "تمام نهج البلاغه":
- دستیابی مولف «تمام نهج» به متن کامل و منابع تمامی خطبه ها، کلمات، وصایا، دعاها و نامه های امیر مومنان، در پنج برابر حجم "نهج البلاغه" سید شریف رضی.
- ترتیب موضوعی و تاریخی خطبه ها، کلام و نامه های امیر مومنان. این ابتکار می تواند کار را برای محققان و مورخان که می خواهند تسلسل تاریخی سخنان حضرت امیر را به دست بیاورند، بسیار آسان کند.
- تعداد منابع "النسخه المسنده" که در هشت مجلد تنظیم شده و در بیروت به طبع رسیده بود به حدود هشتصد منبع می رسید، ولی در این نسخه نفیسه حدیثه (نسخه مرجع) و در آخرین یافته ها و تحقیقات به بیش از هزار و دویست منبع رسیده است.
- این کتاب علاوه بر زبان فارسی، به زبان های انگلیسی، اردو و اسپانیولی نیز در حال ترجمه است.
- برخی ویژگی ها و امتیازات نخستین ترجمه فارسی تمام نهج البلاغه:
- ۱. نثر ساده و روان و گاهی مسجع و آهنگین قابل فهم برای مخاطبان در سطوح مختلف؛

۲. مقایسه و تطبیق ترجمه بخش هایی از تمام نهج البلاغه با ترجمه های موجود از نهج البلاغه سید رضی

۳. ترجمه منظوم برخی از اشعار در تمام نهج البلاغه

کلید واژگان: امیر مومنان؛ علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، سید رضی، تمام نهج البلاغه، سید صادق موسوی، نخستین ترجمه فارسی، سید علی رضا حجازی.

مقدمه:

هیچ بشری تاکنون نتوانسته "تمامی کلام حضرت امیر(ع)" را بشناسد و یا همه را یک جا بشناساند. به راستی که سخنش فرش گفتار آفریدگار سبحان است و عرش سخنان آفریدگان جهان!

تا چندی پس از انتشار "نهج البلاغه" از سوی شریف رضی در سال ۴۰۰ هجری قمری؛ بیشتر عالمان بر این باور بودند که اگر چه به کل سخنان امیر مومنان دست نیافته اند، اما به جل کلام امیر راه جسته اند.

اما اندکی بعد از آشنایی دانشمندان با "نهج البلاغه" سید رضی، نوشتن مستدرکات و ملحقات و... و اضافه کردن و یا معرفی یافته های جدید؛ اوج و رواج یافت. سخنان حضرت امیر در "نهج" نیز تقریباً هم زمان با انتشار متن آن؛ به بیشتر زبان های زنده در هر مصر و عصر و دوره ای ترجمه می شد.

همه نهج البلاغه شناسان، هنگام معرفی و تحقیق و یا تدریس و شرح و ترجمه، "نهج البلاغه" سید رضی را؛ ملاک و معیار و مصدر کلام حضرت امیر می شناختند تا این که فرزندی معنوی از تبار آن حضرت؛ سید صادق موسوی با الهام از رهنمود و آرزوی دیرینه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای بر آن شده تا کمر همت ببندد و همه کلام امیر مومنان و "تمام نهج البلاغه" را یکجا جمع نماید و آن را به دیده مشتاقان جان و شیفتگان راه فصاحت و بلاغت؛ بنمایاند.

با این که چاپ و انتشار "تمام نهج البلاغه" ابتدا در بیروت و در سال ۱۴۱۱ هجری قمری به پایان رسیده و پس از آن از سوی مؤسسه امام صاحب الزمان مشهد، در سال ۱۴۱۸ قمری، در ۱۰۷۰ صفحه با قطع رحلی منتشر شده است. و در همان سال امام علی(ع) کتاب سال شناخته شده، و در سومین مرحله؛ نسخه مسنده هشت مجلدی، با منابعی حدود ۸۰۰ عنوان به چاپ رسیده است. و سرانجام در مرحله چهارم و در آخرین ویرایش، "تمام نهج البلاغه" تک نسخه ای نفیس به عنوان مرجع و پایه در بیروت و در شعبان سال ۱۴۳۴ به جهان اسلام پیشکش شده است، اما هنوز هم بسیاری از اندیشمندان حوزه های علمیه و دانشگاه ها و مراکز پژوهشی جهان اسلام و حتی برخی مجامع شیعه شناسی و بنیادهای نهج البلاغه پژوهی؛ از انتشار چنین مصدر و منبعی بی خبر و یا بی نصیب مانده اند.

البته هم مترجم و هم مولف در مصاحبه ها و همایش های بین المللی و داخلی، به اهمیت این اثر و ویژگی های آن اشاراتی داشته است، که می توان در چند محور خلاصه کرد.

معرفی "تمام نهج البلاغه"

برای آشنایی با یک اثر بهترین و درست ترین راه این است که صاحب اثر آن را توصیف کند. مولف این اثر قیم و فحیم، سید صادق موسوی می گوید: "شخصیت مولای متقیان حضرت امیرالمومنین (ع) شخصیتی است که حتی نزد دشمنان و کینه توزان نسبت به آن حضرت هم برجسته بوده است و در طول تاریخ همگان از سخنان گهربار آن حضرت برای موارد مختلف استفاده می کردند. این بیانات به طور قطعه های جدا از هم در

تاریخ ثبت شده است و به خصوص بعد از شهادت آن حضرت که حکومت در دست امویان قرار گرفته، تلاش بی وقفه ای بوده تا تأثیر سخنان آن حضرت را از جامعه اسلامی برگیرند. (در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱/۰۳/۱۳۹۰)

مقاله "امام علی (ع) و "نهج البلاغه" و "تمام نهج البلاغه"

پیشینه تدوین کلام امیر بیان:

در همان زمان امیرمومنان، روایات و سخنان و خطبه ها و خطابه ها و نامه های حضرت ثبت و ضبط می شده است. و این سخنان کتبی و شفاهی به نسل های بعد منتقل می شده است. قبل از شریف رضی و قبل از تدوین نهج البلاغه، در رابطه با سخنان آن حضرت کتاب های زیادی نوشته شده و همه آنها هم این روال را در پیش گرفته اند که در موضوع مورد بررسی خودشان از سخنان آن حضرت استفاده کنند. مثلاً کسی که کار بلاغی داشته، قطعه های بلاغی را انتخاب کرده یا کسی که می خواسته به مسائل توحیدی بپردازد، قطعه های مخصوص موضوع توحید را از کلام حضرت جدا کرده و همچنین دیگران، تا جایی که دسترسی به متن کامل سخنان آن حضرت آرام آرام تبدیل به کار سخت و مشکلی شد و در حال حاضر بارزترین اثری که از مجموعه سخنان آن حضرت برای جامعه اسلامی مانده، همین نهج البلاغه شریف رضی است.

مختصین جرقه و انگیزه این ابتکار:

این خلاء در منابع، این احتمال را متصور می کرد که تقطیع های صورت گرفته، ممکن است فهم مطلب را دچار اشکال کند. اولین کنگره نهج البلاغه که مصادف با هزارمین سال درگذشت شریف رضی (رضوان الله تعالی علیه) بود در تهران تشکیل شد و سید صادق موسوی نیز توفیق حضور داشته، در سخنرانی حضرت آیت الله خامنه ای که در آن وقت متصدی ریاست جمهوری بودند، این موضوع مطرح شده که امروزه نهج البلاغه برای افراد غیر عرب زبان آنچنان که باید و شاید، شفا بخش و بر آورنده احتیاجات نیست، به این معنا که شریف رضی چون با انگیزه بلاغی آن قطعات را برگزیده است، این بریدگی ها معانی را از هم جدا می کند، و چه خوب است که افرادی آستین همت بالا بزنند و این محذوفات و بریده ها را پیدا کنند و در جای خودش قرار بدهند. ایشان که در آن مجلس حاضر بوده و این ایده و طرح را پسندیده، بر انجام این کار سترگ اندیشه می کند، و به فکر تهیه مقدمات کار این ابتکار می افتد. چند سال بعد با مسئولان بنیاد نهج البلاغه تماس می گیرد و می پرسد: آیا چنین کاری و ابتکاری انجام گرفته یا نه؟ و آنها در جواب می گویند: متأسفانه هنوز در این راستا کاری انجام نگرفته است.

دشواری ها و دلهره های آغاز راه:

سید صادق موسوی؛ مولف «تمام نهج البلاغه» خود می گوید: هیبت خاصی نسبت به این موضوع احساس می کردم، ولی با توکل به خدا این کار را آغاز کردم. در مراحل اولیه، این کار برایم خیلی سخت بود به علت این که اولاً کلام، کلام امیرالمومنین (ع) بود؛ دوم اینکه وارد شدن به میدان شریف رضی و نهج البلاغه بود و سوم این که خود این کار، یک کار فنی و تخصصی است.

در قسمت سوم، بودند پیشگامانی که کارهایی را انجام داده بودند، مانند مرحوم آقای محمودی و مرحوم سید عبدالزهر خطیب، که از تجربیات آنها استفاده کرده و خدا هم توفیق داده که مراحل اول و دوم با الطاف خداوند و کمک خود حضرت مولا انجام شود.

مراحل جست و جو برای تکمیل این تقطیع ها:

برای ورود به این موضوع، آنچه در درجه اول اهمیت است، دسترسی به متونی است که حاوی سخنان آن حضرت باشد. بخش بزرگی از این مرحله، از سوی محققانی که درباره مستدرکات نهج البلاغه کار کرده اند، انجام شده است؛ ولی پیدا کردن متون، ۳۰٪ کار و پیدا کردن جای آن قطعه ها ۷۰٪ کار ما بود.

کسی که وارد میدان تحقیق شود، می بیند روایات مختلف در همان صدر تدوین روایات به علت این که هر روایتی بیش از یک موضوع را در بر می گرفته تقطیع شده است، یعنی اگر روایتی در مورد نماز و روزه بود، مؤلف قسمت نماز آن را در باب نماز ذکر کرده و قسمت روزه را در باب روزه ذکر کرده است. در دراز مدت یک روایتی که حاوی دو موضوع بوده است، به دو روایت جدا از هم مبدل می شده است.

سخنان امیرمؤمنان (ع) نیز چون حاوی مطالب مختلف بوده، در بسیاری از موارد به همین شکل تقطیع شده است. راویان بسیاری برای باب ها و موضوعات گوناگون قطعه های مختلف از یک متن را انتخاب کرده اند. حال برای این که بعد از قرن ها بخواهیم دسترسی پیدا کنیم و بفهمیم که روایتی که در یک جا یا یک کتاب است با روایاتی که در جای دیگر است، دو قطعه از یک خطبه یا یک سخن حضرت بوده، کار سختی است. لذا دنبال این بودیم که کار ما مستند باشد و گاهی برای رسیدن به نقطه ارتباط بین دو متن که آیا این مربوط به یک سخن یا یک متن هست، مدت ها متحیر بودیم و چون مستندی پیدا نمی کردیم آنجا متوقف می شدیم. اگر کسی با دقت این کار را مطالعه کند خواهد دید هر جا که ما متن تکمیلی را پیدا نکردیم، بین دو متن خط کشیدیم و در پاورقی اعلام کردیم هنوز قطعه میانی بین این دو متن را پیدا نکرده ایم و از دیگران کمک خواسته ایم که اگر قطعه ای را پیدا کردند ما را یاری کنند.

بعضی وقت ها برای یک کلمه، یک واو، یک حرف یا یک اعراب، متون زیادی را زیر و رو کردیم تا ببینیم این متن در منابع به چه شکل آمده است. گاهی اختلاف ها را به عنوان نسخه بدل حفظ کردیم و قضاوت را برعهده محققان و دانشمندان گذاشتیم. (روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱/۰۳/۱۳۹۰ سرویس خبر: مقاله "امام علی (ع) و "نهج البلاغه" و "تمام نهج البلاغه")

نسخه شناسی «تمام نهج البلاغه»:

- «تمام نهج البلاغه» از سال ۱۴۱۱ ه.ق تا سال ۱۴۳۴ ه.ق در چهار نسخه متفاوت و رو به تکامل به چاپ رسیده است:

- نسخه مشروحه (سال ۱۴۱۱ ه.ق - بیروت)

- نسخه موثقه (سال ۱۴۱۸ ه.ق - مشهد)

- نسخه مسنده {۸ جلدی} (سال ۱۴۲۶ ه.ق - بیروت)

- نسخه مرجع (سال ۱۴۳۴ ه.ق - بیروت)

النسخه المشروحه:

چاپ اول «تمام نهج البلاغه» به نام نسخه مشروحه در یک مجلد منتشر شد و تعداد منابعی که در آن نسخه استفاده گشته، حدود ۲۹ عنوان بود. در آنجا امکان استفاده مفصل از منابع و مآخذ کتاب کار مشکلی بوده است چون از اسمش مشخص است که در آن نسخه مشروحه و در پاورقی هر صفحه، شرح کلماتی که برای سخنان حضرت هست، ذکر شده است.

مؤلف در طول مدت تحقیق و آماده سازی این مجموعه از تجربیات کسانی که در دریای کلام امیرالمؤمنین تبحر داشته اند و تحقیق و کنکاش های فراوانی کرده و نسبت به منابع و متون آن مطلع بوده اند، استفاده فراوان کرده، بالاخص از تجربه علامه محقق مرحوم شیخ محمد باقر محمودی مؤلف "نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه" و علامه محقق مرحوم سید عبدالزهره الحسینی الخطیب، مؤلف "مصادر نهج البلاغه و اسانیده". شکر الله مساعیهم الجميله.

"النسخه الموثقه":

اما تحقیق همچنان در این زمینه ادامه یافته و دایره کنکاش‌ها وسیع‌تر شده، از این رو "النسخه الموثقه" که مصادر آن به ۱۰۱ منبع رسیده، و در حاشیه آن نام کتاب‌هایی را که همه کلمات و یا بخش‌هایی از آن استخراج شده، ذکر گردیده است. و حتی برای سندیت بیشتر، شماره اجزاء و صفحات آن منابع نیز آورده شده، تا محققان و دانشمندان متخصص بتوانند از اضافات و تمه‌های افزوده شده بهره برده و استفاده نمایند. در حالی که در نسخه قبلی فقط به شرح الفاظ بلیغ و کلمات دشوار اکتفا شده بود. این نسخه در سال ۱۴۱۸ هجری قمری در ایران چاپ و منتشر گردید و "مؤسسه نهج البلاغه" نسخه چاپ شده در ایران را به عنوان کتاب سال در کنفرانسی که در تهران برگزار شد، انتخاب نمود.

با ورود این نسخه به عرصه علمی، این سؤال مطرح شد که مآخذ موثق این کتاب کجاست. با توفیق خداوندی و با تلاش مستمر در طی حدود سه سال، نسخه موثقه این کتاب که تعداد منابع آن به یکصد و یک منبع رسیده بود، در ایران و در مؤسسه امام صاحب‌الزمان مشهد، در سال ۱۴۱۸ قمری، در ۱۰۷۰ صفحه منتشر شد.

از جمله پیشنهادهای بعد از این چاپ همین بود که چون در نهج البلاغه به جنبه سندی توجه نشده است و شریف رضی (رضوان الله تعالی علیه) روی سند روایات خود کار نکرده است؛ چه خوب خواهد بود که مطالب شریف رضی و متونی که برای تکمیل به آن اضافه شده، همراه با سلسله سند مربوط به آنها ذکر شود. (روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱/۰۳/۱۳۹۰ سرویس خبر: مقاله "امام علی (ع) و "نهج البلاغه" و "تمام نهج البلاغه") و این مهم در نسخه بعدی تحقق یافت.

"النسخه المسنده"

پس از انتخاب شدن "النسخه الموثقه" به عنوان کتاب سال باز مولف دست از جست و جو برای یافتن گمشده‌های احتمالی خود برنداشته و در کتابخانه‌های مختلف در بسیاری از کشورهای جهان به دنبال یافتن متون و منابعی گشته که قبلاً به آن دسترسی نبوده است. لذا نتیجه سال‌ها پژوهش، کتاب "النسخه المسنده" در ۸ جلد تنظیم و به طبع رسیده که تعداد منابع این مجموعه حدود ۸۰۰ منبع می باشد.

در این نسخه اضافه بر منابع، سلسله سند وارد شده برای هر حدیث (برحسب آنچه در کتاب مستند آمده) به طور مفصل وارد شده، البته این کار پس از اشاره به هویت منبع از حیث مرکز نشر، تاریخ چاپ و مشخصات دیگر در این زمینه آمده تا صحت متن برای خواننده ثابت شود. این نسخه از سوی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به عنوان کتاب سال معرفی شد و برخی از مراجع و علماء و اندیشمندان در عراق و ایران و سایر کشورها نیز از این کتاب به خاطر تحقیق علمی در این زمینه، تقدیر کردند و از متون موجود در آن هنگام تدریس و سخنرانی‌های خود در حوزه‌ها، استفاده نموده و می‌نمایند.

در این مرحله نیز مولف «تمام نهج» با تلاشی مجدد، دایره تحقیقات را خیلی گسترده تر کرده و برای رسیدن به منابع مختلف این چاپ نهایی، بیش از ۷۰ کتابخانه مهم دنیا بررسی و از نسخه‌های خطی و کتاب‌های منحصر به فردی استفاده نموده است. وی برای این مهم به کتابخانه‌های مصر، یمن، مراکش، کتابخانه ملی رم، کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه ملی لندن، کتابخانه ملی اتریش و در آخر به کتابخانه مک کین کانادا و کتابخانه کنگره آمریکا و ... رفته و نسخه‌های نهج البلاغه و منابع آن را مورد مطالعه قرار داده است. اکنون در این نسخه هشت مجلدی، تعداد منابع به حدود ۸۰۰ عنوان رسیده است و البته در کنار ذکر منابع، سلسله سند تمام روایاتی که ذکر شده نیز آمده است.

مولف «تمام نهج» به توفیق خداوندی ظرف ۲۵ سال تلاش مجدانه و پی در پی تقریباً توانسته به متن و منابع تمامی خطبه‌ها، کلام و نامه‌های برگزیده که برخی از آن‌ها در "نهج البلاغه" آمده است، دسترسی پیدا کند. وی برای دستیابی به بخشی از کلمات و یا نامه‌های امیرمؤمنان (ع) که تاکنون به دست آورده، تا آنجا که امکانش بوده به کشورهای مختلف جهان سفر کرده و از میان حجم انبوهی از منابع مختلف در کتابخانه‌های

متعدد جست و جو کرده و گاه برای رسیدن به سندی که بتواند یک کلمه یا یک جمله و یا بخشی از مطلبی که انتساب آن را به امیرمؤمنان^(ع) اثبات کند، سختی‌های زیادی را متحمل شده است.

اگر کسی به نهج البلاغه شریف رضی استناد نکند و آن را مرسل به حساب آورد اما می‌توان گفت در این نسخه هشت مجلدی «تمام نهج البلاغه»، نه تنها متن سخنان امیر مؤمنان در نهج البلاغه از حالت مرسل بودن خارج شده بل دیگر منابعی هم که شریف رضی متونی از آنها استخراج کرده است، نیز سنددار شده اند.

النسخه المرجعه:

نسخه مرجع؛ نسخه ای نفیسه و حدیثه است که در شعبان ۱۴۳۴ به زیور طبع آراسته شده است. در این نسخه آخرین بازنگری‌ها و تصحیح و ویرایش متن از سوی مترجم تمام نهج البلاغه دکتر سید علی رضا حجازی انجام یافته، گرچه در نسخه‌های قبلی نیز علاوه بر مترجم، شیخ محمد عساف و دکتر فرید سید و سید سلیمان موسوی در توثیق و تصحیح نصوص و مراجعه مولف را یاری کرده اند. آخرین یافته‌ها و تحقیقات با بیش از هزار و دویست منبع به چاپ رسیده است. منابع آن از میان مآخذ موثق و قابل اعتماد نزد مذاهب اسلامی استخراج شده است.

البته در این نسخه تک جلدی سلسله روایان و شرح و مصادر آن ذکر نشده تا بر حجم آن افزوده نشود.

نخستین نسخه از آخرین تحقیق این کتاب در سالروز میلاد باسعادت مولای متقیان حضرت علی^(ع) به ساحت امیر مومنان حضرت علی بن ابی طالب علیه سلام الله در نجف اشرف تقدیم گشته و بر مرقد مطهر آن حضرت گذاشته شده و نسخه ای از آن در ضریح و مضجع نورانی آن حضرت (نجف اشرف) و نسخه دیگر آن داخل محراب مسجد کوفه (محل ضربت خوردن آن حضرت) قرار دارد. و نسخه ای دیگر نیز به آقای بانکی‌مون، دبیرکل سازمان ملل، توسط مولف این کتاب اهدا شده و مورد تقدیر و ستایش دبیر کل قرار گرفته و نیز یک جلد از این کتاب به واتیکان، مرکز مسیحیت جهان اهدا شده و نسخه بعدی آن به دانشگاه هاروارد اهدا شد. همچنین نسخه‌ای از کتاب «تمام نهج البلاغه» به حرم بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) هدیه گشته است.

تدوین متن و شرح جدید از سخنان حضرت امیر^(ع) و رفع برخی از ابهامات احتمالی :

یکی از ابهامات و اشکالاتی که بر تدوین و شرح «تمام نهج البلاغه»، مطرح می‌شود؛ این است که با وجود «نهج البلاغه شریف رضی» و ده‌ها شرح و ترجمه بر آن و اقبال همگان بر این متن، دیگر چه نیازی به این کار بوده؟ به بیان دیگر آیا «تمام نهج البلاغه»، کاری است تکراری یا طرحی است ابتکاری؟!

در پاسخ باید گفت: اولاً؛ کار شریف رضی (رضوان الله تعالی علیه) اگر چه کاری بس سترگ و درخور تحسین است، اما کاری ناتمام بوده. وی در مقدمه نهج البلاغه با صراحت اعلام می‌کند که این متن از کتاب قبلی خود ایشان یعنی «خصایص امیرالمومنین» برگرفته شده است.

کتاب "نهج البلاغه" در سال ۴۰۰ هجری از کتابی به نام "خصائص امیرالمومنین" منشعب شده است. کتابی که مرحوم شریف رضی رضوان الله تعالی علیه برای تدوین ویژگی‌های ائمه دوازده‌گانه دست به تالیف آن زد، ولی موفق به رسیدن به هدف اصلی خود نشد. این کتاب تنها به قسمت اول آن یعنی ویژگی‌های امیرمؤمنان علی علیه‌السلام (امام اول) اختصاص یافت و به علت مشغله زیاد شریف رضی به پایان نرسید. به دنبال آن برخی از نزدیکان مؤلف از او خواستند تا این کتاب "خصائص" به طور مختصر درآید و به سفارش آنان چنین شد که "نهج البلاغه" در برگیرنده

گزیده‌هایی از خطبه‌ها، کلمات قصار، نامه‌ها، حکمت‌ها و مثل‌های امیرمؤمنان (ع) می‌باشد که لابلای کتاب "خصائص امیرالمؤمنین" ذکر شده است.

سیدرضی در مقدمه "نهج‌البلاغه" می‌نویسد: "در روزگار جوانی و سال‌های خرمی شاخسار زندگانی به تألیف کتابی در خصائص ائمه (علیهم‌السلام) آغاز نهادم که مشتمل بر تاریخ زندگی زیبا و نیکشان و سخنان گوهرزای آنان بود. انگیزه‌ای مرا بدین کار برانگیخت که در آغاز کتاب یاد کرده‌ام و پیشاپیش هر سخنی آورده‌ام. از نوشتن خصائصی که ویژه‌ی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بود فراغت یافتیم، و به سرآوردن دنباله‌ی کتاب را موانع روزگار، و گرفتاری‌های بی‌شمار جلو گرفت. و آنچه نوشته بودم به صورت چند فصل و چند باب درآوردیم و در آخر آنها فصلی بود که کلمات کوتاه آن حضرت در زمینه‌ی مواعظ و حکم و امثال و آداب نقل شده از او را - نه خطبه‌های بلند و نامه‌های مفصل و گسترده - در آن فصل آورده بودم.

گروهی از دوستان این فصل را پسندیده از نکات بی‌نظیر آن در شگفت افتادند، و از قطعات درخشنده اش چشمشان خیره مانده از من خواستند شروع به تألیف کتابی محتوی برگزیده‌ی سخنان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کنم که همه‌ی رشته‌ها و شاخه‌های گفتارش از خطبه‌های آن حضرت گرفته تا نامه‌ها و مواعظ و ادبش را در برداشته باشد؛ چه می‌دانستند که آن سخنان دربردارنده‌ی شگفتی‌های بلاغت، و نکات بی‌نظیر فصاحت، و گوهر ادبیات عربی، و مطالب دلنشین دینی و دنیوی است و همه‌ی این امتیازات یکجا و به طور همه‌جانبه در هیچ سخن و کتابی دیده نمی‌شود... لذا با آغاز کردن بدان کار بزرگ، به درخواستشان پاسخ دادم، چه به خوبی می‌دانستم چه سود بزرگ، و نام نیک گسترده، و پاداش اندوخته شده‌ای در این اقدام نهفته است!

و بدین وسیله خواستم، گذشته از نیکی‌ها و زیبایی‌های بسیار، و برتری‌های بی‌شمار نهفته در وجود امیرالمؤمنین، عظمت قدر آن بزرگوار را در این فضیلت سخنوری نیز آشکار گردانم، چه، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، از میان همه‌ی گذشتگان نخستین، تنها کسی است که به اوج کمال سخنوری دست یافته است، و از آنان جز اندکی جسته‌گریخته و پراکنده‌ای نابیخته اثری نمانده است...".

فصل بندی نهج البلاغه

سید رضی در ادامه مقدمه می‌گوید: "دیدم گفتار حضرت امیر بر مدار سه محور می‌چرخد: نخست خطبه‌ها و فرمان‌ها؛ دوم نامه‌ها و رسایل؛ و سوم کلمات حکمت‌آمیز و موعظه‌ها. پس به توفیق خدای سبحان، ابتدا خطبه‌های زیبا، و سپس نامه‌های شگفت و سرانجام، حکمت‌ها و کلمات گوهرزا را انتخاب کردم، و هر یک را در بای می‌مستقل قرار دادم و برگ‌هایی جداگانه برایش نهادم تا اگر بر اثر عجله و شتاب در حال حاضر مطلبی از دستم بیرون رفته، آن برگ‌های سفید جایی برای استدراک مطلب دیر به دست آمده گردد. و چون از سخنانش مطلبی در ضمن سؤال و جواب، یا منظور دیگری بیرون از تقسیم بندی ما به دست آمد، آن را در مناسب‌ترین باب و هماهنگ‌ترین قسمت گذاشتم. چه بسا قسمت‌هایی نامتناسب در این برگزیده‌ی سخنان آمده باشد، و سخنان را بدون نظم و ترتیب در کنار هم جای داده باشم، زیرا من در این کتاب نکته‌های شگفت و قطعات درخشان آورده‌ام و قصدم هماهنگی و نظم تاریخی و پیوستگی میان سخنان نبوده است...".

بسیار پیش آمده در ضمن این کلمات برگزیده لفظی چند بار بیاید و موضوعی تکرار شود، عذر من در این مورد آن است که روایات درباره‌ی سخنانش سخت با هم اختلاف دارند. چه بسا اتفاق افتاده است که سخن برگزیده‌ای برحسب روایتی به دست آمده به همان شکل نقل گردیده، سپس در روایت دیگری به شکلی متفاوت با شکل نخستین، یا با لفظی بیشتر از سخن برگزیده، یا با عبارتی زیباتر از آن یافت شده، استواری و

درستی بیشتر این گزینش، و غیرت ورزیدن برای حفظ و نگهداری گوهرهای با ارزش کلام، اقتضا کرده بار دیگر آن شکل از روایت را هم بیاورم. گاهی فاصله ی زیاد زمانی نیز موجب آن شده است که کلامی انتخاب شده بار دیگر انتخاب شود، و این تکرار از روی سهو و فراموشی است نه از روی قصد و توجه... .

و در پایان نهج البلاغه می نویسد: و اکنون هنگام به پایان رسانیدن گزیده ی سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) است... و پایان این تألیف در رجب سال ۴۰۰ هجری است، و صلوات خدا بر سرور ما محمد پایان بخش فرستادگان، و راهنما به سوی بهترین راه های نموده به انسان، و بر خاندان او باد که از همگان پاکترین هستند، و بر یارانش که ستارگان درخشان رساننده به یقین می باشند. (رک. مقدمه ی سید رضی بر نهج البلاغه، ترجمه از مقدمه ی پرتوی از نهج البلاغه، صفحات ۷۵، ۷۷، ۷۹. و نهج البلاغه، ترجمه دشتی؛ مقدمه؛ ص ۲۹) و این خود می رساند که برای شریف رضی موضوع تمام شده نبود و گر نه احتیاج به گذاشتن برگه های سفید نبوده است! شریف رضی بر ناتوانی خویش در جمع آوری همه سخنان حضرت امیر اذعان داشته و در مقدمه اش بر نهج می نویسد:

"با این حال ادعا نمی کنم که من به همه جوانب سخنان امام علیه السلام به طوری احاطه پیدا کرده ام که هیچ کدام از سخنان او از دستم نرفته است، بلکه بعید نمی دانم که آنچه نیافته ام بیش از آن باشد که یافته ام، و آنچه در اختیارم قرار گرفته کمتر از آنچه به دستم نیامده باشد. اما وظیفه من غیر از تلاش و کوشش و سعی فراوان برای یافتن این گم شده نیست، و از خدا می خواهم در این امر مرا راهنمایی کند. بعد از تمام شدن کتاب چنین دیدم که نامش را «نهج البلاغه» بگذارم؛ زیرا این کتاب درهای بلاغت را به روی بیننده می گشاید، و خواسته هایش را به او نزدیک می سازد... ." (نهج البلاغه / ترجمه دشتی؛ مقدمه؛ ص ۲۹)

دیگر این که خود شریف رضی به علت مشغله زیاد فرصت دوباره خوانی متن خودشان را نداشتند. دلیلش هم این است که ایشان در موضوعات مختلف روایتی را ذکر کرده و می فرمایند ما این را قبلاً ذکر کردیم یا به علت اختلاف روایات آن را تکرار کردیم. به علت اینکه متن به صورت پیش نویس بوده، ایشان نتوانسته اند این را در دنباله آن روایت قبلی ذکر کنند و وقتی بررسی می کنیم می بینیم اختلاف روایات وجود ندارد و دو متن یکی بوده است. این نشان می دهد که سیدرضی با استناد به حافظه خود این مطالب را تنظیم می کردند و فرصت نداشتند که اختلاف نسخه را ضبط و بررسی کنند و به علت همین مشغله ها فرصت دوباره خوانی و در نتیجه تنظیم دوباره متن به دست نیامده است.

این بریدگی ها، به خصوص برای خوانندگان بعدی زمینه یک ابهام را ایجاد می کرد. اگر یک متن قبل از یک متن یا بعد از آن قرار می گرفت، در ذهن خواننده معمولی این ترتیب، تفارق و عدم پیوند را ایجاد می کرد در حالی که در ذهن سیدرضی تفاوتی وجود نداشته است. این متن را در جایی دیده اند و متن بعدی را در جای دیگر. این دو در یک موضوع بوده و به همین دلیل در کنار هم که آمده است چون دو متن با هم فرق داشته است، در ذهن خواننده تفاوتی ایجاد می کند و در نتیجه ترجمه غلط و شرح غلط هم ایجاد می شود. در همین زمینه، مواردی هست که وقتی متن در جای خود قرار گرفته و قبل و بعد آن مشخص شده است، معنی خود را بهتر نشان داده است و ممکن است حرف های تازه فراوانی را هم در برداشته باشد.

مکان یابی متون جدید و جایگزینی آن در متن نهج البلاغه

مرحله سخت و دشوار هنگام یافتن متون مربوط به سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام، تشخیص مکان و موقعیت آن میان متون برگزیده شده توسط شریف رضی رضوان الله تعالی علیه بود. زیرا آن بزرگوار منابعی که متون را از آن استخراج کرده است در "نهج البلاغه" وارد نکرده مگر به ندرت

و همچنین برخی از منابع را که در کتاب خود آورده، البته متون را نیز به طور بریده در ابواب مختلف روایت نموده و این دلیل اختلاف بین نسخه مورد استناد سید رضی و نسخه فعلی "تمام نهج البلاغه" می باشد.

در "تمام نهج البلاغه" وقت بسیاری صرف شده و سخت تلاش شده تا معلوم شود کدام بخش، کدام جمله و حتی کدام کلمه در چه جایی قرار دارد. این کار با استناد به ادله و قرائن استخراج شده از منابع موثق و قابل اعتماد انجام یافته است. این مسأله برای کسی که اهل تحقیق باشد هنگام مطالعه مجموعه "تمام نهج البلاغه" و مقایسه آن با "نهج البلاغه" از حیث لفظ معنای متن پیوسته‌ای که در کتاب آوردیم بسیار روشن است و این به دلیل بلاغت بالای سید شریف رضی رضوان الله تعالی علیه هنگام تألیف "نهج البلاغه" می باشد.

افزون بر آنچه در زمینه ترتیب و شماره گذاری خطبه‌ها و کلمات و یا افزودن برخی کلمات و بخش‌ها به آن در نسخه‌های متعلق به شریف رضی یافته شده؛ سعی در مطابقت نمودن میان ۱۷ نسخه چاپی و دست نویس نیز شده و آنچه صحیح تر و نزدیک تر به کلام مولا بوده، در متن ذکر شده است. و هرگاه مؤلف درباره صحت و یا سقم کلمه به یقین نرسیده، سعی نموده به اختلاف‌های موجود در این زمینه در حاشیه کتاب اشاره کند و این کار را برای حفظ امانت تحقیق انجام داده و نام منبع با ذکر کتاب و شماره صفحه را نیز آورده است.

ترتیب مطالب در «تمام نهج البلاغه» و تفاوتش با ترتیب مطالب «نهج البلاغه» شریف رضی

پیشتر اشاره کردیم که شریف رضی در مقدمه کتاب نهج البلاغه، می گوید که وی سه باب را مد نظر داشته زیرا سخنان آن حضرت بر مدار سه اصل می چرخد. وی در ترتیب بندی اولیه؛ خطب، کلمات و ادعیه را با هم، کتب و عهود و احلاف را با هم و بعد کلمات قصار را آورده است. اما ترتیب مطالب در «تمام نهج البلاغه» کاملاً متفاوت است.

از آنجا که "النسخه المسنده" در هشت مجلد تنظیم شده و تعداد منابع این مجموعه به حدود هشتصد منبع می رسد، این نسخه دارای ۸۰۰ عنوان شده است و در کنار ذکر منابع، سلسله اسناد موجود به همراه متن آن آورده شده است و گاه برخی قسمت ها ۲۰ صفحه پاورقی دارد.

"النسخه المسنده" در دو باب و هر باب در چند فصل با این عنوان‌ها سامان یافته است:

باب اول، شامل چهار فصل: ۱. خطبه‌ها (۶۲ خطبه)؛ ۲. کلمات (۱۵۶ کلمه)؛ ۳. وصایای شفاهی (۱۲ وصیت)؛ ۴. دعاها. (۹ دعا)
باب دوم، شامل سه فصل: ۱. نامه‌ها (۷۵ نامه)؛ ۲. عهدها و سوگندها (سه عهد و یک سوگند)؛ ۳. وصایای مکتوب. (چهار وصیت)

اولین ویژگی: ترتیب موضوعی و بعد به ترتیب تاریخی:

- مؤلف «تمام نهج البلاغه»، باب خطب را جدا کرده و در آنها موضوع را در درجه اول و بعد روند تاریخ خطبه‌ها را مدنظر قرار داده است. یعنی خطبه‌ای که بعد از وفات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) انجام شده، اول قرار گرفته است و همین طور به تسلسل تاریخی تا آخرین خطبه قبل از شهادت امیرمؤمنان؛ علی (علیه السلام) ادامه پیدا کرده است.

- بخش بعد، کلمات است که اول موضوعی و بعد به ترتیب تاریخی مرتب شده اند. بعد وصایا، که وصایای شفاهی جدا در باب اول و وصایای مکتوب در باب دوم قرار گرفته است. سپس دعاهای حضرت و بعد نامه‌ها که باز با تسلسل موضوعی و بعد تسلسل تاریخی تنظیم شده اند. چون مخاطب نامه‌ها افراد خاصی بودند، تلاش شده نامه‌های متعلق به هر شخص در یک جا قرار بگیرد که مطالعه کننده به راحتی به آنها دسترسی پیدا کند. مثلاً نامه‌های مربوط به ابن عباس تا جایی که از نظر موضوع تفاوت زیادی نداشته است، کنار هم قرار گرفته اند. همین طور نامه‌های خطاب به معاویه و دیگران. بعد عقود و احلاف (پیمان‌ها) و توقیعات قرار گرفته اند.

- این ابتکار می تواند کار را برای افرادی که می خواهند تسلسل تاریخی سخنان حضرت را به دست بیاورند، بسیار آسان کند.

دومین ویژگی :

- نکته بسیار مهم در نحوه حروفچینی در متن کتاب "النسخه المسنده" این است که دو نوع حروفچینی در متن کتاب دیده می شود؛ یکی معمولی و دیگری پر رنگ.

- چون شریف رضی به هر حال در گردآوردی « نهج البلاغه » پیش قدم بوده اند و اسم کتاب «تمام نهج البلاغه» است، مولف هم در راستای کتاب ایشان کار کرده. به همین خاطر متن نهج البلاغه با خط پر رنگ آمده است و در اول هر بند که از این متن استفاده شده؛ آدرس آن در نسخه موجود نهج البلاغه آمده تا هر کس خواست بداند این متن از کجای نهج البلاغه است، به راحتی جوابش را بیابد. متن هایی که از منابع دیگر اضافه شده، به شکل کم رنگ چاپ شده و آدرس و منابعش نیز ذکر شده است.

سومین ویژگی :

- همچنین برای آسان شدن کار افرادی که به تمام نهج البلاغه استناد می کنند فصلی در آخر فهرست تمام نهج البلاغه به نام دلیل نهج البلاغه قرار گرفته است. در واقع کسی که بخواهد قسمتی از نهج البلاغه را در مجموعه «تمام نهج البلاغه» پیدا کند و به عبارات تکمیلی آن دست یابد، می تواند به این فهرست نهایی مراجعه کند. همچنین فهرست آیات، و احادیثی که حضرت امیر (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده اند، و فهرست اشعار، قبایل، اماکن و فهرست تمام روایاتی که آمده اند در اینجا به طور منظم ذکر شده و هر کس می تواند به این فهرست ها مراجعه کند و موارد موردنظر خود را شناسایی کند.

چهارمین ویژگی :

- در «تمام نهج البلاغه»، اثری از بخش کلمات قصار نیست، و بخش سوم نهج البلاغه (حکمت ها) به طور کامل حذف شده، با این اعتقاد که حکمت ها در خطبه ها و نامه ها مندرجند، و لذا از آوردن مجدد آن ها خودداری شده است. به بیان دیگر چون تمامی یا نزدیک به تمام کلمات قصار، منتخب ها و عبارات کوتاهی بوده است که شنوندگان سخنان حضرت یا ناقلان سخنان حضرت از متن سخنان ایشان استخراج کرده اند؛ یعنی حضرت سخنرانی می کردند و مطلبی می گفتند، بعد یکی برای استفاده خاص خودش، بخشی را انتخاب می کرد که می شد کلمه قصار. این ها در باب های مختلف خودش ذکر شده که جزیی از سخنان بوده، یا خطبه بوده یا کلمه یا نامه یا عهد و یا دعا یا... خود شریف رضی در چند مورد مقدمه یکی از خطبه ها را در باب کلمات قصار آورده که در واقع مربوط به یک خطبه بوده است. با توجه به این مطلب، کلمات قصار برمی گردد به جای اصلی خودش که یا جزء کلمات بوده است یا جزء خطبه ها یا نامه ها و مانند آن.

راهی گسترده فراروی پژوهشگران حوزه سخنان حضرت امیر:

در نتیجه این ترتیب و تحقیق جدید، می بینیم چه کاری و ابتکاری وجود خواهد داشت؟! چه از جهت تکمیل این کار و چه از جهت پژوهش های دیگری که براساس این اثر می توان انجام داد. باید گفت: کاوش های تاریخی و یا برداشت های حدیثی بدیعی را با این ترتیب جدید می توان شکل داد.

به نظر مؤلف و مبتکر این اثر، خود این نکته که یک متن کامل می شود، ممکن است خیلی مسائل را تغییر دهد. مثلاً در بعضی موارد شریف رضی با انگیزه و نگرش بلاغتی از متنی بسیار بزرگ و طولانی، قطعه کوچکی را انتخاب کرده و وقتی مقدمه آن قطعه در این متن قرار می گیرد، عظمت این متن نمایان تر و زمینه ساز فهم بهتر این متن می شود.

مثلا در جریان شورای بعد از قتل خلیفه دوم، می بینیم که حضرت مطلبی فرموده اند و شریف رضی قطعه ای را ذکر کرده اند، ولی این یک متن بسیار کوچک از "حدیث المناشده" است. حضرت در آنجا با مجموعه اعضای شورا، اتمام حجت هایی کرده اند که در آن تمام چیزهایی که ممکن است اتمام حجت با هر کس لازم باشد، بیان کرده اند. کسی که نداند قبل از این چکیده چه بوده، فهم آن ناقص یا مشکل است ولی بعد از این که متن از اول تا آخرش مشخص بشود، متن، دقیق تر، شیرین تر و مطلب روشن تر و پرمعنی تر می شود.

ان شاءالله این حرکت می تواند آغازی باشد برای بازنگری به شخصیت خود حضرت امیر، به این معنا که علی رغم قدم بزرگی که شریف رضی (رضوان الله تعالی علیه) برداشتند تا حضرت امیر را معرفی کنند؛ هنوز پازل شخصیت حضرت و ابعاد وجودی آن امام همام کامل نشده و هنوز قطعه هایی ناشناخته باقی مانده است، لذا آن طور که باید برای افراد، چه دوستان چه غیردوستان این پازل ها مرتب و کامل نشده بود و تصویر شخصیت حضرت امیر مشخص نبود. با این تتمیم و تکمیل، معتقدیم کسی که می خواهد با شخصیت حضرت علی علیه السلام آشنایی پیدا کند، خیلی بهتر و کامل تر و زیباتر می تواند به هدف خود دست یابد.

آنچه امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ها و کلمات قصار و حکمت آموز بیان فرمودند، توسط راویان و مورخان بسیاری به ثبت رسیده، چه به طور مستقیم و یا پس از پایان خطبه ها و یا در مراحل مختلف. همواره حلاوت این کلمات در گوش شنوندگان طنین انداز است و علیرغم تلاش های فراوان دشمنان اهل بیت علیهم السلام در پنهان کردن این کلمات گهربار همواره عقل و روح و اندیشه نسل های مختلف بخاطر درک معانی عمیق سخنان این مرد بزرگ لذت می برد.

- کتاب های متعددی تحت عنوان "خطب علی علیه السلام" در دوره های نخست نگاشته شده است، افزون بر این بخش هایی از خطبه ها و کلمات قصار ایشان در منابع معتبر مذاهب مختلف قرار گرفته که هر کدام به فراخور سیاق و موضوعی که مؤلفان این کتابها در قرن های نخست هجری به آن نیاز داشتند از آن استفاده نموده اند. گفته می شود علمای پیشین قرن ها از تعداد ۴۰۰ خطبه متعلق به امیرمؤمنان^(ع) استفاده می کردند و این به استثنای کلمات قصار و ادعیه منتسب به ایشان است.

همچنین خطیبان جمعه در دوران فاطمی ها به مدت بیست سال در شمال آفریقا از خطبه های امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه های جمعه خود استفاده می نمودند.

متأسفانه حقد و کینه حسودان تا آنجا پیش رفت که باعث شد این حسودان کینه توز دست به سوزاندن کتابخانه ها بزنند و کتابخانه هایی را با داشتن صدها کتاب ارزشمند و گرانبها به آتش بکشند، که در این میان اکثر منابعی که در آن خطبه ها و کلام امیرمؤمنان تدوین شده بود، نابود گردید.

آخرین چیزی که مولف "تمام نهج البلاغه"؛ سید صادق موسوی، به چشم خود در کتابخانه الظاهریه در شهر دمشق دیده؛ جلد کتابی تحت عنوان "خطب علی" متعلق به واقعی بوده که کاغذها و محتوای آن به سرقت رفته بوده و در قفسه های این کتابخانه تنها جلد آن کتاب باقی مانده!!.

کینه توزان با همه تلاش خود برای پنهان کردن فضایل امیرمؤمنان علیه السلام نتوانستند کتاب نهج البلاغه شریف رضی رضوان الله تعالی علیه - که امروز در میان ماست و به این صورتی که می بینیم درآمده است - را پنهان کنند.

ترجمه "تمام نهج البلاغه"، به زبان های دیگر:

با این که مدت زمانی طولانی از نشر و معرفی کتاب تمام نهج البلاغه می گذرد، اما تاکنون (تا مهر ۱۳۹۵ هجری شمسی، محرم الحرام ۱۴۳۸ هجری قمری زمان نگارش این مقاله) ترجمه ای به دیگر زبان ها دیده نشده، هر چند شنیده شده که این کتاب به زبان های انگلیسی، اردو و اسپانیولی در حال ترجمه است.

نخستین ترجمه فارسی تمام نهج البلاغه:

مؤلف تمام نهج البلاغه پس از انتشار اولین نسخه مشروحه (سال ۱۴۱۱ قمری)، برای ترجمه به زبان فارسی، شخصیت های حوزوی و دانشگاهی متعددی را مد نظر داشته، ولی به طور جد ترجمه این اثر ارزشمند را به نگارنده این مقال؛ سید علی رضا حجازی که تحصیلات عالی حوزوی و دانشگاهی را توأمان داشته، پیشنهاد نموده است.

پیشنهادی که برای ترجمه فارسی از جانب مؤلف به نگارنده شد، از یک سو باعث سعادت و افتخار بود، اما از سوی دیگر با نگرانی و اضطراب همراه شده بود که مبادا آن چنان که باید و شاید نتواند این مهم را به انجام رساند؛ زیرا کلام امیرمؤمنان و تمام نهج البلاغه بحری پهناور و اقیانوسی ژرف است که غواصان متبحر را می طلبد تا شاید بتوانند از اعماق آن صدف و مروارید و مرجان صید کنند و در اختیار مشتاقان قرار دهند!

اما تشویق ایشان (به عنوان کسی که تالیف، تتمیم و تنسیق "تمام نهج البلاغه" را به انجام رسانده) و دیگر استادان حوزه علمیه و دانشگاه و دوستان موجب دلگرمی و خود باوری برای ترجمه این اثر گرانبگ شد، به ویژه استاد تمام زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و مترجم برتر نهج البلاغه، دکتر سید جعفر شهیدی که مترجم را به انجام این مهم تشجیع و ترغیب کردند.

شگفت آن که وقتی مؤلف تمام نهج، ترجمه فارسی اثر را به بنده پیشنهاد می کرد، من استاد دانشگاهی خودم؛ دکتر سید جعفر شهیدی را نخستین و بهترین گزینه می دانستم که او خود مترجم نهج البلاغه بود که همان ترجمه زیبا و ادیبانه اش حایز جایزه و برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده بود. و حتی این مطلب را به مؤلف پیشنهاد کردم، پس از این مشورت وقتی به حضرت استاد شهیدی عرض کردم: شما که موفق به ترجمه شیوا و ادبی نهج البلاغه شده اید و ترجمه فارسی شما به عنوان کتاب سال انتخاب و معرفی شده، بسیار مناسب است که ترجمه "تمام نهج البلاغه" را نیز شروع و تمام نمایید! ایشان با لبخندی ملیح فرمودند: حال و مجالی برایمان نمانده، چرا شما خودت که فرزند حوزه و دانشگاهی انجام نمی دهی؟!

و یا بار دیگر در پاسخ به نامه ام که حاوی نمونه ای از ترجمه و برخی از سؤالات و ابهامات در اشعار متن بود، مرقوم فرمودند: «... ترجمه تمام نهج البلاغه را به شما تبریک می گویم. نمونه ای که فرستاده اید با نثری زیبا نوشته شده، ان شاء الله موفق به تمام کردن این کار بزرگ باشید.» (خطبه های شگفت، ۱۳۸۴، پاورقی صفحه ۱۰. نامه و دست نوشته استاد نزد نگارنده است).

و بدین سان در سالروز امیر مؤمنان؛ سیزدهم رجب سال ۱۳۷۹ شمسی که مزین به نام امیر مؤمنان علیه السلام بود، با استعانت از خدای سبحان و استمداد از روح والای تنها مولود کعبه، و در جمع اعتکاف کنندگان مسجد امام حسن عسکری قم بر ساحل و کرانه این اقیانوس بیکران از سخنان امیر مومنان وارد شده، دل به دریا زدم و با خود زمزمه کردم؛

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

در آغاز ترجمه متن نهج البلاغه سید رضی با ترجمه های فراوان و ارزشمند فارسی مقابله و نوشته می شد، ولی ترجمه بخش اعظم متن "تمام نهج" نیاز به زمان و تحقیق بیشتری داشت، که این کار طی دوازده سال انجام می یافت. البته در این فاصله دو نسخه کامل تر از "تمام نهج"

منتشر شد که با حذف و اضافاتی همراه بود و کار مترجم را برای بازنویسی و ترجمه بخش های الحاقی دشوارتر می ساخت. بهار سال ۱۳۸۴ به همت انتشارات فارس الحجاز برگزیده ای از شش خطبه "تمام نهج" با عنوان "خطبه های شگفت امیر مومنان"؛ به جامعه اندیشمندان و فارسی زبانان عرضه شد و در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد دانشگاه ها و حوزه های علمیه و بنیادهای نهج البلاغه پژوهی، معرفی و تدریس گشت که باعث شگفتی و اعجاب دانش پژوهان و مشتاقان به کلام امیر مومنان شد.

برخی ویژگی ها و امتیازات نخستین ترجمه تمام نهج البلاغه:

۱. نثر ساده و روان و قابل فهم برای مخاطبان در سطوح مختلف؛ نویسنده کوشیده است در برگردان این خطبه به نثر فارسی تا آنجا که می تواند آرایه ها و هنرهای لفظی و معنوی متن را نگاه دارد، مخصوصاً آرایه سجع را تا حد ممکن رعایت کرده است و اگر در فقره‌هایی از ترجمه لفظ به لفظ منصرف شده به خاطر رعایت این ظرافت‌ها بوده است.

۲. مقایسه و تطبیق ترجمه بخش هایی از تمام نهج البلاغه با ترجمه های موجود از نهج البلاغه سید رضی.

۳. ترجمه منظوم برخی از اشعار در تمام نهج البلاغه. "هذا من فضل ربی"

۴. و این ترجمه، نخستین ترجمه تمام نهج البلاغه به زبان فارسی می باشد "ولله الحمد وله الشکر" و "الفضل لمن تقدم".

هر یک از خطبه ها، نامه ها، وصایا، و دعا‌های حضرت امیر جای شرح و بسط و توصیف بسیار دارد ولی در این مجال اندک شاید بتوان به بیان نمونه ای اشاره کرد:

معرفی "خطبه های شگفت امیر مومنان"

از بین تمامی خطبه ها و نامه ها و وصیت نامه ها فقط فرصت معرفی این ۶ خطبه خواهد بود :

البیان ۲- غراء ۳- شقشقیه ۴- خطبه بلا نقطه ۵- خطبه نکاح (دومین خطبه بی نقطه) ۶- خطبه بی الف؛ (موقوصه یا مونقه).

بعد از خطبه البیان (طولانی ترین خطبه) این سه خطبه اخیر اوج فصاحت و بلاغت حضرت امیر است که از یک سو حضرت خود را به حذف حروف نقطه دار و یا حذف حرف الف ملتزم می سازد و از سوی دیگر این خطبه های نسبتاً طولانی را بی مقدمه و بالبداهه ایراد می فرماید و از سوی سوم تمامی مضامین خطبه ها را به قرآن کریم مستند می سازد. به خصوص در خطبه بلا الف (مونقه) که امام سکران موت و صحنه های پس از مرگ را همچون گزارشگری که خود شاهد آن حوادث بوده، به تصویر می کشد و لحظه به لحظه محتضر را همراهی می کند و از سختی های جان کندن و تهایی و وحشت شب اول قبرش سخن می گوید. همان زمانی که میت از خانه های پر زرق و برق و کاخ های استوار به زیر خروارها خاک و سنگ و در قبری تاریک و تنگ منتقل می شود و او در میان قبر گرفتار زمینی متروک و خلوت و ویران است، کرم ها بر پیکرش بتازند و چرک و خون بر سر و سینه اش بریزد و خاک گورش گوشتش را بزدايد و خورش را بخشکاند و استخوانش را بیوساند تا روز دمیده شدن در صور و زمان حشر و نشر ... (خطبه های شگفت امیر مومنان؛ سید علی رضا حجازی، فارس الحجاز، ۱۳۸۴، صص ۳۱۴-۳۲۴)

فرازهای خطبه موقوصه:

این خطبه نسبتاً طولانی، علاوه بر این که قدرت علمی و اشراف و تسلط بر واژگان مولای متقیان را نشان می دهد، دارای معارف عظیم است. فراموش نکنیم که این خطبه، ارتجالی و بی هیچ تفکر قبلی در جمع اصحاب ایراد شده و گویا آن بزرگوار در استعمال کلمات و جملات آن هیچ گونه محدودیتی نداشته است به طوری که حضرتش بعد از حمد و سپاس خداوند، نخست در توحید و عدل و رحمت و عظمت خالق سخن گفته، و سپس به صفات جمالیه و جلالیه پروردگار عالم پرداخته است .

و آنگاه به بعثت نبی اعظم و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم گواهی داده و ویژگی‌های آن حضرت، و لطف و محبتش به مومنان و پیروان خود را با عباراتی عالی و با فصاحتی تمام بیان داشته ...

و بعد توصیه پروردگار را به مخاطبان سفارش نموده و مردمان را متوجه سنت پیامبر خدا نموده، و آنان را به غنیمت شماری و خود سازی و آمادگی تمام برای لقاء الله و ادار می‌سازد.

شگفت آور آن که امام همچون گزارشگری که از نزدیک شاهد صحنه است مراحل احتضار و لحظه جان سپاری و سكرات مرگ را به تصویر می‌کشد و از حقایق پس از مرگ پرده بر می‌دارد. همگان بیش و کم، محضر را در آخرین لحظات زندگی دیده‌اند و آه و حسرتش را شنیده‌اند و پس از مرگش در غسل و تکفین و تشییع و نماز میت شرکت جسته‌اند، ولی از حالات درونی و مشاهدات روحی او بی‌خبرند. آن را که خیر شد، خبری باز نیامد.

حضرت امیر در این خطبه گویی همراه میت به قبرش وارد می‌شوند و پس از چیدن سنگ لحد، از شب اول قبر و آغاز دوران برزخ گزارش می‌دهند.

صحنه بعدی این گزارش، حشر و نشر در قیامت است و گشوده شدن نامه اعمال و گواهی دادن گواهان؛ پس آنگاه این انسان یا با دوزخیان به سوی دوزخ کشانده شود و یا با بهشتیان در حظیره قدس سکونت گزیند.

در فرازی دیگر از این خطبه، حضرت به داوری عادلانه حضرت حق اشاره می‌کند و از شر هر دشمنی به خدای کریم پناه می‌برد. درخواست تضرع و ابتهال و استغفار، آخرین فراز خطبه موقوصه است.

آنگاه امام با خواندن آیه ای، خانه آخرت را و عاقبت را از آن پرهیزگاران می‌داند.

و اینک متن عربی خطبه موقوصه {خطبه بدون الف امام علی (ع)} از تمام نهج البلاغه (نسخه مرجع ص ۵۵۷) با ترجمه آن از خطبه های شگفت امیر مومنان؛ ترجمه سید علی رضا حجازی (ص ۳۱۳):

(۲۸)

خطبه له علیه السلام الموسومة بالموقوصه

ارتجلها خالیة من حرف الألف من غیر سابق فکر و لا تقدّم رویة

خطبه ۲۸ به خطبه موقوصه (و یا مونقه) نامیده شده، امام (ع) این خطبه بی الف را بالبداهة و بدون تأمل و فکر قبلی ایراد نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمِدَتْ و عَظُمَتْ مِنْ عَظُمَتْ مِنْتَهُ، وَ سَبَّغَتْ نِعْمَتَهُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ، وَ نَفَذَتْ مَشِيَّتَهُ، وَ بَلَغَتْ حُجَّتَهُ، وَ عَدَلَتْ قَضِيَّتَهُ، وَ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ .

حَمِدَتْهُ حَمْدَ عَبْدٍ مُقَرَّبٍ بِرُبُوبِيَّتِهِ، مُتَخَضِعٍ لِعِبَادِيَّتِهِ، مُتَّصِلٍ مِنْ خَطِيئَتِهِ، مُعْتَرِفٍ بِتَوْحِيدِهِ، مُسْتَعِيدٍ مِنْ وَعِيدِهِ، مُؤْمِلٍ مِنْ رَبِّهِ مَغْفِرَةً تُنْجِيهِ، يَوْمَ يَشْغَلُ كُلُّ عَن فَصِيلَتِهِ وَ بَنِيهِ . وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَرْشِدُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ تَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ .

وَ شَهِدْتُ لَهُ شُهُودَ مُخْلِصٍ مُوقِنٍ، وَ فَرَدْتُهُ تَفْرِيدَ مُؤْمِنٍ مُتَّقِنٍ، وَ وَحَدْتُهُ تَوْحِيدَ عَبْدٍ مُدْعِنٍ .

لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ .

جَلَّ عَنْ مُشِيرٍ وَ وَزِيرٍ، وَ تَنَزَّهَ عَنْ عَوْنِ مُعِينٍ وَ نَصِيرٍ وَ نَظِيرٍ .

عَلِمَ فَسْتَرَ، وَ بَطَّنَ فَخَبَّرَ، وَ مَلِكٌ فَفَقَّرَ، وَ مَلِكٌ فَفَقَّهَرَ، وَ عَصَى فَفَعَّرَ، وَ عَبْدٌ فَفَشَكَرَ، وَ حَكَمَ فَفَعَدَلَ، وَ تَكْرَمَ فَفَتَفَضَّلَ .

لَمْ يَزَلْ وَلَنْ يَزُولَ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ .
 رَبٌّ مُتَّفَرِّدٌ بَعَزَّتْهُ، مَتَمَكِّنٌ بِقُوَّتِهِ، مُتَقَدِّسٌ بِعُلُوِّهِ، مُتَكَبِّرٌ بِسُمُوِّهِ .
 لَيْسَ يَدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَ لَيْسَ يُحِيطُ بِهِ نَظَرٌ .
 قَوِيٌّ مُنِيعٌ، بَصِيرٌ سَمِيعٌ، عَلِيٌّ حَكِيمٌ، رَوْوْفٌ رَحِيمٌ، عَزِيزٌ عَلِيمٌ .
 عَجَزَ عَنْ وَصْفِهِ مَنْ يُصِفُهُ، وَ ضَلَّ فِي نَعْتِهِ مَنْ يَعْرِفُهُ .
 قُرْبٌ فَبَعْدُ، وَ بَعْدُ فَقُرْبٌ .
 يُجِيبُ دَعْوَةَ مَنْ يَدْعُوهُ، وَ يَرْزُقُ عَبْدَهُ وَ يَحْبُوهُ .
 ذُو لُطْفٍ خَفِيِّ، وَ بَطْشٍ قَوِيٍّ، وَ رَحْمَةً مُوسِعَةً، وَ عَقُوبَةً مُوجِعَةً .
 رَحْمَتُهُ جَنَّةٌ عَرِيضَةٌ مُوْتَقَّةٌ، وَ عَقُوبَتُهُ جَحِيمٌ مَمْدُودَةٌ مُوْبِقَةٌ .

به نام خداوند بخشنده مهربان

حمد و سپاس خداوند:

حمد و سپاس می گویم خدایی را که منتش بس بزرگ و نعمتش فراوان و کلمه اش تمام و کامل و اراده اش [در هر امری] نافذ و حجتش رسا و حکمش عدل است و رحمتش بر غضبش پیشی گرفته. او را ستایش می کنم همانند حمد و ثنای کسی که به پروردگاری اش اقرار کرده و در بندگی اش، سر فرود آورده، و از خطایش بیزار گشته، و به یگانگی او اعتراف کرده و از وعید و کیفر او بدو پناه برده و از پروردگارش امید آرمزشی نجات بخش داشته روزی که هر کس از خانواده و فرزندان خویش غافل مانده و به خودسرگرم است .

و از او یاری و رشد و هدایت می جویم و به او ایمان می آوریم و بر او توکل می کنیم. و از روی اخلاص و یقین به او گواهی می دهیم و همچون یکتادانستن مؤمن مطمئن او رایکتا می دانم و همچون توحید بنده معترف او را یگانه می شناسم. در ملک خویش شریکی ندارد و در آفرینش یار و یآوری برایش نبوده است. او برتر از این است که مشاور و وزیر داشته باشد و منزله است از اینکه یار و یاور و نظیری برایش باشد. او می داند و می پوشاند، و نهان است و از همه چیز آگاه است، و مالک است و بر همه چیز چیره است، و نافرمانی می شود و می آمرزد، ستایش می شود و جزای نیک دهد، و حکم کند و به عدالت حکم راند، و کرم نماید و و تفضل فرماید،

همیشه بوده و پیوسته خواهد بود و هیچ چیز مانند او نخواهد بود، و او پیش از هر چیز و بعد از هر چیز است. پروردگاری است در عزت خویش یکتا، و به قوت خویش توانا، و به برتری خویش پاک و مبرا، و به بلندی رتبه خویش بزرگوار و در نهایت کبریاست .

هیچ چشمی او را نبیند و هیچ دیده ای او را در نیابد، توانا و شکست ناپذیر است، بینا و شنوا و والا و حکیم و مهربان و رحیم و عزیز و داناست. هر که او را توصیف کند، از وصفش ناتوان ماند و هر کس او را بشناسد، در اوصافش گمراه و حیران ماند، نزدیک است در عین دوری، و دور است در عین نزدیکی، هر که او را بخواند، دعایش را اجابت کند، و بنده اش را روزی دهد و عطا فرماید. دارای لطفی نهان و سختگیری نیرومند و رحمتی فراگیر و عذابی دردناک است .

رحمتش، بهشتی پهناور و شگفت آور است و عذابش دوزخی گسترده و ویرانگراست.

شهادت به بعثت و رسالت حضرت ختمی مرتبت:

و شَهِدْتُ بِبَعْثِ مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ، وَصَفِيهِ وَنَبِيِّهِ، وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ، صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةً تَحْطِئُهُ، وَتَزَلْفُهُ وَتَعْلِيهِ، وَتُقْرَبُهُ وَتُدْنِيهِ .
بَعَثَهُ فِي خَيْرِ عَصْرِ، وَحِينَ فِتْرَةٍ وَكَفْرٍ، رَحْمَةً مِنْهُ لِعَبِيدِهِ، وَمِنْهُ لِمَزِيدِهِ .
خَتَمَ بِهِ نُبُوَّتَهُ، وَوَضَحَ بِهِ حُجَّتَهُ، فَوَعَظَ وَنَصَحَ، وَبَلَغَ وَكَدَحَ .
رَوُوفٌ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَحِيمٌ، سَخِيٌّ، رَضِيٌّ، وَلِيٌّ، زَكِيٌّ .
عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَتَسْلِيمٌ، وَبَرَكَهٌ وَتَكْرِيمٌ، مِنْ رَبِّ غَفُورٍ رَحِيمٍ، قَرِيبٍ مُجِيبٍ .

و گواهی می‌دهم به بعثت [حضرت] محمد (ص) بنده و فرستاده او و برگزیده پیامبر او و حبیب و دوست او که درود خدا بر او باد درودی که او را بهره رساند و او را به جلو راند و بالا برد و به قرب خویش نزدیک گرداند. خداوند او را در بهترین زمان برانگیخت، هنگامی که هیچ پیامبری نبود و کفر همه جا را فرا گرفته بود، بعثتی که رحمت او بود بر بندگانش و منتی افزون بود بر آنان. خداوند نبوت را به او پایان داد و حجت را بدو نمایان ساخت، و پیامبر (ص) نیز موعظه کرد و نصیحت فرمود و تبلیغ کرد و سخت کوشش نمود. به هر مؤمنی مهربان بود، دلسوز و بخشنده و پسندیده و دوست و پاک و پاکیزه بود. رحمت و سلام و برکت و تکریم از پروردگار آمرزنده و مهربان و نزدیک و اجابت کننده [بندگان] بر او باد .

سفارش به وصیت الهی و سنت نبوی:

وَصَيْتُكُمْ مَعَشَرَ مَنْ حَضَرَنِي بِوَصِيَّةِ رَبِّكُمْ، وَذَكَرْتُكُمْ بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ. فَعَلَيْكُمْ بِرَهْبَةٍ تَسْكُنُ قُلُوبَكُمْ، وَخَشْيَةٍ تُذَرِي دُمُوعَكُمْ، وَتَقِيَّةٍ تُتَجِيكُمُ، قَبْلَ يَوْمٍ يُذْهِلُكُمْ وَيُبْذِلُكُمْ، يَوْمَ يَفُوزُ فِيهِ مَنْ ثَقُلَ وَزْنُ حَسَنَتِهِ، وَخَفَّ وَزْنُ سَيِّئَتِهِ .
وَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ وَتَمَلُّقُكُمْ مَسْأَلَةً ﴿﴾ ذُلٌّ وَخُضُوعٌ، وَشُكْرٌ وَخُشُوعٌ، بِتَوْبَةٍ وَتَزُوعٍ، وَنَدَمٍ وَرُجُوعٍ .

ای کسانی که نزد من هستید! شما را سفارش می‌کنم بدانچه پروردگارتان سفارش فرموده و سنت پیامبرتان را به شما یادآوری می‌کنم. پس بر شما باد بیم و ترسی که دلهاتان را آرامش بخشد و حقیقت و هراسی که اشکهاتان را روان سازد و پروایی که شما را رهایی دهد. پیش از روزی که شما را به فراموشی سپارد و به حیرت و گرفتاری آرد، روزی که هر کس کارهای نیکش بیشتر و کارهای بدش کمتر است، در آن روز رستگار می‌شود. و باید درخواست شما از [خداوند] و تمجید شما نسبت به او، با کمال ذلت و خشوع و سپاسگذاری و خشوع به همراه توبه و دل‌کندن از گناه و پشیمانی و بازگشت باشد.

غنیمت شماری:

وَلْيُغْنِتِمُ كُلُّ مُغْنِمٍ مِنْكُمْ صِحَّتَهُ قَبْلَ سَقَمِهِ، وَشَبِيَّتَهُ قَبْلَ هَرَمِهِ، وَسَعَتَهُ قَبْلَ فَقْرِهِ، وَفَرَعَتَهُ قَبْلَ شُغْلِهِ، وَحَضْرَهُ قَبْلَ سَفَرِهِ، وَحَيَاتَهُ قَبْلَ مَوْتِهِ .
مِنْ قَبْلِ يَكْبُرٍ وَبَهْرَمٍ، وَيَمْرَضٍ وَيَسْقَمُ، وَيَمْلَأُهُ طَبِيبُهُ، وَيَعْرِضُ عَنْهُ حَبِيبُهُ، وَيَنْقَطِعُ عُمُرُهُ، وَيَتَغَيَّرُ عَقْلُهُ، ثُمَّ قِيلَ: هُوَ مَوْعُوكُ، وَجِسْمُهُ مَنُهْوَكٌ .
و هر غنیمت شماری از شما باید سلامت خود را قبل از بیماری و جوانی خود را قبل از پیری و دارایی خویش را پیش از ناداری و آسایش خود را پیش از گرفتاری و حضور خود را پیش از سفر و زندگی‌اش را پیش از مرگش غنیمت شمارد، پیش از آن که پیر و فرتوت شود و بیمار و ناتوان گردد و طیبیش از [مداوای] او باز ماند و دوست و حبیبش از او روی گرداند و عمرش تمام شود و عقلش دگرگون گردد. آنگاه گفته شود: او بیمار بوده و پیکرش فرسوده .

در بستر احتضار وقت مردن:

ثُمَّ جَدَّ نَزْعَ شَدِيدٍ، وَ حَضْرَهُ كُلِّ حَبِيبٍ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ، فَشَخَّصَ بَبَصْرِهِ، وَ طَمَحَ بِنَظَرِهِ، وَ رَشَحَ جَبِينَهُ، وَ عَطَفَ عَرِينَهُ (۱)، وَ سَكَنَ حَنِينَهُ، وَ حَزَنَتْهُ نَفْسُهُ، وَ بَكَتَهُ عَرْسُهُ، وَ حَفَرَ رَمْسَهُ، وَ يَتَمَّ مِنْهُ وَ لَدَهُ، وَ تَفَرَّقَ عَنْهُ عَدَدُهُ، وَ قَسَمَ جَمْعَهُ، وَ ذَهَبَ بَبَصْرَهُ وَ سَمِعَهُ،

آنگاه [در بستر احتضار] سخت گرفتار جان کندن شود و هر دوست دور و نزدیکی نزد او آید؛ چشمانش خیره شود و نگاهش به بالا دوخته شود و عرق [مرگ] بر پیشانی اش بنشیند و دار فانی از او رو بگرداند [و بینی اش خمیده شود] و ناله اش خاموش گردد و جانش با غم و اندوه بر آید و همسرش بر او بگرید و قبرش کنده شود و فرزندش یتیم گردد و کسانش از گرد او پراکنده شوند و اموالش تقسیم شود و بینایی و شنوایی اش برود.

غسل میت:

وَ مَلَدٌ وَ جَرْدٌ، وَ عَرِيٌّ وَ غَسْلٌ، وَ نَشْفٌ وَ سَجِيٌّ، وَ بَسِطٌ لَهُ وَ هِيءٌ، وَ نَشْرٌ عَلَيْهِ كَفْنُهُ، وَ شَدَّ مِنْهُ ذَقْنَهُ، وَ قَمِصٌ وَ عِمَمٌ، وَ وُدْعٌ وَ سَلِيمٌ، وَ حُمِلَ فَوْقَ سَرِيرٍ، وَ صَلَّى عَلَيْهِ بِتَكْبِيرٍ، بَغَيْرِ سُجُودٍ وَ تَعْفِيرٍ .

و [رو به قبله] کشیده شود [و جامه هایش] کنده شود و برهنه گردد و غسل داده شود و خشک شود و کفن برایش مهیا و آماده و گشوده شود، و کفنش بر او گسترده شود و چانه اش بسته شود و پیراهنی [از کفن] بر او پوشانده شود و عمامه ای بر سرش پیچانده شود. تشییع و نماز میت: وَ وُدْعٌ وَ سَلِيمٌ، وَ حُمِلَ فَوْقَ سَرِيرٍ، وَ صَلَّى عَلَيْهِ بِتَكْبِيرٍ، بَغَيْرِ سُجُودٍ وَ تَعْفِيرٍ . و با وی وداع و خداحافظی شود و بر تابوت گذاشته شود و با تکبیر و بدون سجده و بر خاک آلودن بر او نماز گزارده شود.

ورود به قبر و چیدن سنگ لحد:

وَ نُقِلَ مِنْ دُورٍ مَزْخَرَفَةٍ، وَ قُصُورٍ مُشِيدَةٍ، وَ حَجَرٍ مَنْجِدَةٍ، فَجَعَلَ فِي ضَرِيحٍ مَلْحُودٍ، وَ ضَيِّقٍ مَوْصُودٍ، بِلَبَنِ مَنُصُودٍ، مُسَقَّفٍ بِجَلْمُودٍ، وَ هَيْلَ عَلَيْهِ عَفْرَهُ، وَ حُشَى عَلَيْهِ مَدْرَهُ .

و از خانه های زینت یافته و کاخ های استوار و اتاق هایی با فرش و پرده آراسته جدا گشته و در گوشه قبری تنگ جای گیرد که با خشت های چیده شده در زیر سنگ های سخت، استوار و محکم گشته و خاک و ریگ بر او ریخته شده است.

شب اول قبر و آغاز دوران برزخ:

فَتَحَقَّقَ حَظْرَهُ، وَ نَسَى حَبْرَهُ، وَ رَجَعَ عَنْهُ وَ لِيَهُ وَ صَفِيَّهُ، وَ نَدِيمَهُ وَ نَسِيبَهُ، وَ تَبَدَّلَ بِهِ قَرِينَهُ وَ حَبِيبَهُ . فَهُوَ حَشْوُ قَبْرِ، وَ رَهِينُ قَفْرِ، يَسْعَى بِجِسْمِهِ دُودَ قَبْرِهِ، وَ يَسِيلُ صَدِيدُهُ عَلَى صَدْرِهِ وَ نَحْرِهِ . وَ يَسْحَقُ تَرَبَهُ لِحَمِهِ، وَ يَنْشِفُ دَمَهُ، وَ يَرْمِي عَظْمَهُ، حَتَّى يَوْمَ حَشْرِهِ . فَيَنْشُرُ مِنْ قَبْرِهِ وَ يَنْفَخُ فِي صُورٍ وَ يَدْعَى لِمَحْشَرٍ وَ نَشُورٍ .

[اکنون] از آنچه می ترسیده بر سرش آمده و دیگر یاد و خبرش فراموشی گشته، و دوست و همراه و خویشان و بستگانش [از کنار مزارش] باز گشته و همسر و دوستش دیگری را به جای او اختیار کنند. و او در میان قبر تاروز حشر گرفتار زمینی متروک و ویران است، کرم های قبرش بر پیکرش بتازد و چرک و خون بر سینه و گردنش بریزد و خاک گورش، گوشتش را بزدايد و خونس را بخشکاند و استخوانش را بپوساند و هنگامی که در صور دمیده می شود از قبرش بیرون آورده می شود و برای حشر و نشر خوانده می شود.

حشر و نشر در قیامت:

فَتَمَّ بَعَثَتْ قُبُورًا، وَ حَصَلَتْ سَرِيرَةٌ صُدُورٍ، وَ جِئَ بِكُلِّ نَبِيٍّ وَ صَدِيقٍ وَ شَهِيدٍ وَ نَطِيقٍ، وَ تَوَحَّدَ لِلْفَصْلِ رَبُّ قَدِيرٍ، بَعْدَهُ خَيْرٌ بَصِيرٌ .
فَكَمْ مِنْ زَفْرَةٍ تُضْنِيهِ، وَ حَسْرَةٍ تُضْئِيهِ، فِي مَوْقِفٍ مَهُولٍ، وَ مَشْهَدٍ جَلِيلٍ، بَيْنَ يَدَيِ مَلِكٍ عَظِيمٍ، وَ بِكُلِّ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ عَلِيمٍ .
فَحينئذٍ يُلْجِمُهُ عِرْقُهُ، وَ يَحْصِرُهُ قَلْقُهُ .
عَبْرَتَهُ غَيْرَ مَرْحُومَةٍ، وَ صَرَخَتَهُ غَيْرَ مَسْمُوعَةٍ، وَ حُجَّتَهُ غَيْرَ مَقْبُولَةٍ .

و آن هنگامی است که قبرها زیر و رو شود و باطن هرانسانی آشکار گردد و هر پیامبر و صدیق و شهید و سخنوری آورده شود و پروردگار توانا خود برای داوری یکتا و تنهاست و او به بنده اش آگاه و بیناست. پس چه بسیار ناله جانسوز که برآید و چه بسیار حسرتی که ناپود سازد، در جایگاهی هولناک و دیدگاهی بزرگ در پیشگاه پادشاهی عظیم که بر هر کار کوچک و بزرگی داناست!!! در این هنگام عرق وی، او را لجام زند و اضطراب و نگرانی او را فرا گیرد، بر اشک او رحم نشود و فریادش را نشنوند و عذرش را نپذیرند.

نامه اعمال و گواهی گواهان:

بَرَزَتْ جَرِيدَتُهُ، وَ نُشِرَتْ صَحِيفَتُهُ، وَ تَبَيَّنَتْ جَرِيرَتُهُ، حَيْثُ نُظِرَ فِي سُوءِ عَمَلِهِ، وَ شَهِدَتْ عَلَيْهِ عَيْنُهُ بِنَظَرِهِ، وَ يَدُهُ بِبِطْشِهِ، وَ رِجْلُهُ بِخَطْوِهِ، وَ جِلْدُهُ بَلْمَسِيهِ، وَ فَرْجُهُ بِمَسِيهِ، وَ نَطَقَ كُلُّ عَضْوٍ مِنْهُ بِسُوءِ عَمَلِهِ . وَ يَهْدِيهِ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ، وَ كُشِفَ لَهُ عَنْ حَيْثُ يَصِيرُ .

نامه عملش آشکار و دفترش گشوده شود و نافرمانی اش آشکار گردد؛ آنگاه که به کردار زشتش بنگرد و چشمش به نگاه او، و دستش به بیداد او، و پایش به گام برداشتن او و پوستش به لمس او و عورتش به تماس او گواهی دهد و هر عضو او به سخن آید و از بدی کردارش گوید و منکر و نکیر او را تهدید کنند و سرانجام کارش آشکار گردد .

با دوزخیان به سوی دوزخ:

فَسُلْسِلَ جِيدُهُ، وَ غُلَّتْ يَدُهُ، وَ سِيقَ وَحَدَهُ، فَوَرَدَ جَهَنَّمَ بِكَرْبٍ وَ شِدَّةٍ، فَظَلَّ يُعَذِّبُ فِي جَحِيمٍ، وَ يُسْقَى شَرْبَةً مِنْ حَمِيمٍ، تَشْوَى وَجْهَهُ، وَ تَسْلُخُ جِلْدَهُ، وَ تُضْرِبُهُ زَبِيئَةٌ بِمَقْمَعٍ مِنْ حَدِيدٍ، وَ يَعُودُ جِلْدُهُ بَعْدَ نُضْجِهِ كَجِلْدٍ جَدِيدٍ . يَسْتَغِيثُ فُتَعْرَضُ عَنْهُ خَزَنَةُ جَهَنَّمَ، وَ يَسْتَصْرِخُ فَيَلْبَثُ حَقْبَةً يَنْدُمُ .
نَعُودُ بِرَبِّ قَدِيرٍ، مِنْ شَرِّ كُلِّ مُصِيرٍ . وَ نَسَّأَلُهُ عَفْوً مِنْ رَضِي عَنْهُ، وَ مَغْفِرَةً مِنْ قَبْلِ مِنْهُ، فَهُوَ وَلِيُّ مَسْأَلَتِي، وَ مُنْجِحُ طَلِبَتِي .

پس گردنش در زنجیر شود و دستش بسته گردد و به تنهایی رانده شود و با سختی و شدت به جهنم وارد شود و پیوسته در دوزخ عذاب شود و جرعه ای از آب سوزان بدونوشانده شود که صورتش را بریان می کند و پوستش را می کند و فرشتگان عذاب با گرزهای آهنین بر سرش بکوبد و پوستش پس از سوختن به پوستی جدید بدل گردد. از نگهبانان دوزخ یاری و کمک می خواهد اما از او روی می گردانند و فریاد دلخراش سر می دهد اما سالیان دراز در پشیمانی و ندامت می ماند.

به پروردگار توانا از بدی هر پیشامدی پناه می بریم و از او بخشش کسی را می خواهیم که از او خشنود گشته و آمرزش کسی را می طلبیم که از پذیرفته، و اوست عهده دار درخواست من و برآورنده حاجت من.

سکونت در بهشت:

فَمَنْ زُحِرَ عَنْ تَعَذِّيبِ رَبِّهِ سَكَنَ فِي جَنَّتِهِ بِقُرْبِهِ، وَ خَلِدَ فِي قُصُورٍ مُشِيدَةٍ، وَ مُلْكٍ بِحُورٍ عِينٍ وَ حَفَدَةٍ، وَ طَيْفٍ عَلَيْهِ بِكُؤُوسٍ، وَ أُسْكِنَ فِي حَظِيرَةٍ قُدْسٍ فِي فِرْدَوْسٍ، وَ تَقَلَّبَ فِي نَعِيمٍ، وَ سَقِيَ مِنْ تَسْنِيمٍ، وَ شَرِبَ مِنْ عَيْنٍ سَلْسِيلٍ، مَمْرُوجَةٍ لَهُ بِزَنْجَبِيلٍ، مَخْتُومَةٍ بِمِسْكِ وَ عَبِيرٍ، مُسْتَدِيمٍ لِلْحُبُورِ، مُسْتَشْعِرٍ لِلْسُرُورِ .

وَيَشْرَبُ مِنْ خَمْرٍ مُعْدُوذَبٍ شَرِبَهُ فِي رَوْضٍ مُغْدِقٍ، لَيْسَ يُصَدِّعُ مَنْ شَرِبَهُ، وَ لَيْسَ يُنْزِفُ لَبَهُ .
 هَذِهِ مَنْزِلَةٌ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِ، وَ حَذَرِ نَفْسِهِ مَعْصِيَتَهُ، وَ تَلْكَ عُقُوبَةٌ مِنْ جَحْدِ مَنْشِيهِ، وَ سَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ مَعْصِيَةَ مُبَدِيهِ .

پس هر کس از عذاب پروردگارش دور شود، در بهشت قرب الهی جای گیرد و در قصرهای استوار جاودانه ماند و بر حوران و خادمان دست یابد و جام‌ها به گردش به گردش آید و در حظیره قدس فردوس سکونت گزیند و در ناز و نعمت غرق شود و از آب تسنیم سیراب شود و از چشمه سلسبیل که به زنجبیل آمیخته و با مشک و عنبر مهر شده، بنوشد پیوسته سرشار از شادی‌ها و سروراست. و در بوستانی سرسبز از شرابی گوارا می‌نوشد که نوشنده‌اش را سردرد نیاید و عقلش را نزداید. این مقام و منزلت کسی است که از پروردگارش ترسید و خویشتن را از نافرمانی‌اش بر حذر داشت و آن عذاب، سزای کسی است که آفریدگارش را انکار کرد و نفسش، نافرمانی خداوندگارش را در نظرش زیبا جلوه داد.

داوری عادلانه:

ذَلِكَ قَوْلُ فَصْلٍ، وَ حُكْمُ عَدْلٍ، وَ خَيْرُ قَصَصٍ قُصِّ، وَ وَعْظٌ نَصٍّ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۱)، نَزَلَ بِهِ رُوحٌ قُدُسٌ مُبِينٌ، مِنْ عِنْدِ رَبِّ كَرِيمٍ عَلَى قَلْبِ نَبِيِّ مُهْتَدٍ مُهْتَدٍ رَشِيدٍ، صَلَّتْ عَلَيْهِ رُسُلٌ سَفَرَةٌ، مُكْرَمُونَ بَرَرَةٌ .

این [قرآن] سخنی است جداکننده حق از باطل و داوری عادلانه و بهترین داستانی است که گفته شده و نیکوترین پندی است که بیان گردیده؛ «از سوی حکیمی ستوده نازل شده .»

آن را روح القدس جبرئیل مبین از نزد پروردگار بزرگوار بر قلب پیامبر با تربیت و هدایت یافته و هوشیار، فرو فرستاده است، درود فرستادگان و سفیران بزرگوار و نیکو رفتار بر پیامبر باد!

پناه بر خدا:

عُدْتُ بِرَبِّ عَلِيمٍ حَكِيمٍ، قَدِيرٍ كَرِيمٍ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَدُوٍّ لِعَيْنِ رَجِيمٍ .

من از شر هر دشمن ملعون و رانده شده به پروردگار دانا و حکیم و توانا و کریم پناه می‌برم.

تضرع و ابتهال و استغفار:

فَلْيَتَضَرَّعْ مُتَضَرِّعَكُمْ، وَلْيَبْتَهِلْ مُبْتَهِلَكُمْ، وَ لِيَسْتَغْفِرْ كُلُّ مَرْبُوبٍ مِنْكُمْ لِي وَ لَكُمْ . وَ حَسْبِيَ رَبِّي وَ حُدُهُ .

پس گریه و زاری کنندگان شما باید، گریه و زاری کنند و دعاکنندگان شما باید دعا کنند و باید هر بنده و پرورده‌ای از شما برای من و شما آمرزش خواهد. و پروردگرم به تنهایی مرا کافی است.

خانه آخرت از پرهیزگاران:

ثُمَّ قَرَأَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (قصص: ۸۳) .

آنگاه امام (ع) این آیه را تلاوت فرمود: «آن خانه آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان برتری و فساد در زمین نباشند و سرانجام از تقواییشان است .»

نتیجه:

صاحب این مقال و قلم بر این باور است که آشنایی پژوهشگران و فرهیختگان با این متن جدید و نوپدید «تمام نهج البلاغه»، و نیز فارسی زبانان با برگردان فارسی آن می‌تواند دریچه‌ای بدیع و متفاوت به ساحت کلام امیر بیان؛ امیر مومنان باز کند و شاید از بسیاری ابهامات و ابعاد ناشناخته

کلام آن امام همام پرده بردارد. و چه بسا به هم پیوستن آن مقطعات و ترتیب تاریخی در کلام مولا، بتواند به تقریب بین مذاهب و ادیان کمک نماید. و یا برداشت های نادرست از بیان حضرت را تصحیح نماید.

مثلاً شریف رضی در کتاب خصایص نهج البلاغه که در حکم کتاب مادر نهج البلاغه است، در آنجا این متن را از امیرمؤمنان بیان می کند: ("معاشر الناس! إن النساء نواقص الإيمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول؛ فأما نقصان إيمانهن فقعودهن عن الصلاة و الصيام في أيام حيضهن، و أما نقصان عقولهن فشهادة امرأتين... كشهادة الرجل الواحد، و أما نقصان حظوظهن فمواريثهن على الأنصاف من مواريث الرجال.") (رسائل الشریف المرتضی، جلد ۳، صفحه ۱۲۴. خصائص الائمة عليهم السلام (خصائص اميرالمؤمنين عليه السلام): أبي الحسن محمد بن الحسين بن موسى الموسوي البغدادي، ج ۱، ص ۱۰۰. با یک اختلاف که در آنجا در آغاز کلام حضرت می گوید؛ «قالها بعد الجمل» یعنی این سخن را حضرت بعد از جنگ جمل بیان فرمودند. ولی در نهج البلاغه ای که از سید رضی در دست ما است می فرماید؛ «فی صفت النساء». این عنوان، موضوع را کاملاً متفاوت می کند؛ زیرا این خطبه زمانی ایراد شده که جامعه تحت تاثیر جنگ جمل قرار می گیرد. و باید توجه داشت که دانستن شرائط زمان و مکان بیان خطبه ها و قرینه های حالی و مقامی در برداشت صحیح از کلام مولا نقش بسزایی دارد. در این راستا نمونه های بسیاری از ابهامات و اشکالات معنایی و یا تاریخی هست که به برکت تمام کلام امیر مؤمنان رمزگشایی و ابهام زدایی می شود. و مجال طرح آن را فرصتی دیگر باید.

والسلام

منابع:

پژوهشگران :

۱. خرداد و تیر ۱۳۸۶ - شماره ۱۲ و ۱۳؛ مقاله «تمام نهج البلاغه» در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سیدصادق موسوی شیرازی، گفت و گو از: مهدی مجتهدی، صفحه ۶۲. برگردان به فارسی: سید محمود جوادی.
۲. تمام نهج البلاغه (نسخه مشروحه)، سید صادق موسوی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ هجری قمری.
۳. تمام نهج البلاغه (نسخه موثقه، یک جلدی)، سید صادق موسوی، مشهد، مؤسسه الامام صاحب الزمان (عج)، ۱۴۱۸ هجری قمری.
۴. تمام نهج البلاغه (نسخه مسنده، هشت جلدی)، سید صادق موسوی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ هجری قمری.
۵. تمام نهج البلاغه (نسخه مرجع، یک جلدی)، سید صادق موسوی، بیروت، مؤسسه الامام صاحب الزمان (عج)، ۱۴۳۴ هجری قمری.
۶. خصائص الائمة عليهم السلام (خصائص امير المؤمنين عليه السلام ؛ شریف رضی محمد بن حسین موسوی بغدادی).
۷. خطبه های شگفت امیر مومنان؛ سید علی رضا حجازی، فارس الحجاز، بهار ۱۳۸۴، قم.
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱/۰۳/۱۳۹۰ سرویس خبر: مقاله " امام علی (ع) و "نهج البلاغه" و "تمام نهج البلاغه".
- ۹- نهج البلاغه شریف الرضی، محمد بن حسین - ترجمه دشتی، محمد، / ترجمه دشتی، ۱ جلد، مشهور - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ش.